

فرهنگ شهرنشینی و توسعه پایدار

دکتر حسن بیک محمدی

استادیار جغرافیا، دانشگاه اصفهان

چکیده

هدف اصلی اکثر برنامه‌ریزان در کشورهای مختلف، تحقق توسعه است. هدف نهایی از توسعه، نیل به توسعه پایدار و به ویژه، نوع انسانی آن است. برای رسیدن به توسعه از عوامل متعددی استفاده می‌شود که مهمترین آن داشتن فرهنگ توسعه و بخصوص نیروی انسانی کارآمد است. فرهنگ توسعه در واقع بخشی از فرهنگ عمومی جامعه است و بدون آن تحقق توسعه در هر جامعه اگر غیرممکن نباشد، می‌توانیم بگوییم، بسیار مشکل است. امروزه گرایش از شیوه زندگی روستائیشینی و سنتی به زندگی شهرنشینی و مدرن در همه جای دنیا دیده می‌شود؛ هر چند این تحول ابتدا از کشورهای پیشرفته شروع شد، ولی امروزه سرعت آن در کشورهای جهان سوم بسیار زیاد است از طرفی در اکثر مراکز شهری همین کشورها مسائل ناشی از شیب زیادگرایش اخیر به شدت افزایش یافته و اکثر شهرهای پرجمعیت، آنها را با مشکلات عدیده‌ای روبرو ساخته است. بدیهی است در این ارتباط عدم برخورداری شهرنشینان سنتی از فرهنگ صحیح شهروندی و فقدان فرهنگ عمومی توسعه، بی‌تأثیر نبوده است.

امید است نقطه‌نظرات مطرح شده در مقاله که به روش اسنادی و تحلیل محتوا تهیه شده است بتواند مفاهیم کلیدی فرهنگ، شهرنشینی و توسعه را معنایی در خور و سزاوار ببخشد و ارتباط بین آنها را به طور

منطقی تحلیل و در راستای اهداف مدیران و برنامه‌ریزان امور شهری، فرهنگی و اجتماعی و توسعه کشور،
 اهکارها و رویافتهایی را ارائه نماید.

۱- مقدمه

اگر چه تعاریف متعددی از مفهوم «فرهنگ» ارائه شده است، ولی تاکنون به مسأله ارتباط بین
 فرهنگ، شهرنشینی و توسعه کمتر اشاره گردیده است.

یکی از اهداف اصلی کشورهای جهان سوم رسیدن به توسعه است؛ یعنی نیل به جامعه‌ای که
 ساکنین آن بتوانند براحتمی از اشتغال، سواد، بهداشت و مسکن برخوردار گردند. امروزه هدف
 اصلی از توسعه، توسعه پایدار و انسانی است، یعنی علاوه بر آماده بودن رفاه برای انسانها و حفظ
 محیط زیست، توجه به شؤونات اخلاقی، آزادی و حفظ کرامت انسانی باید مد نظر برنامه‌ریزان
 قرار گیرد و امکانات رشد و ترقی برای رسیدن انسان به مقام جانشینی خدا فراهم شود. فرض بر
 این است که چنین جامعه‌ای زمانی فراهم خواهد شد که فرهنگ عمومی، بویژه فرهنگ
 شهرنشینان آن، از هر نظر آمادگی لازم را بدست آورده باشد. به عبارت دیگر جامعه شهری از
 ویژگیهای اعتقادی، رفتارها و هنجارهای فرهنگی والایی برخوردار بوده و فرهنگ شهرنشینی بر
 تمامی شهروندان حاکم باشد.

فرهنگ نه تنها سازمان اجتماعی جوامع را می‌سازد، بلکه ناظر بر کلیه اعمال و رفتارهای هر
 جامعه نیز می‌باشد. در این مقاله لزوم حاکمیت هنجارهای فرهنگی و فرهنگ آرمانی در
 زمینه‌های صیانت از تساوی حقوق کلیه شهروندان، افزایش رفاه عمومی، احترام به حرمت و
 کرامت انسانی، حفظ آزادی‌های فردی، توجه به انضباط اجتماعی، حفظ محیط زیست، رعایت
 حقوق عمومی و مشارکت همه افراد در مسائل سیاسی و اجتماعی، به مثابه ابزار تحقق توسعه
 (پایدار و انسانی) در جامعه مدنی و زندگی شهری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۲- تعریف فرهنگ

در تعریف و مفهوم فرهنگ صاحب‌نظران و دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی نقطه نظرات

زیادی ارائه کرده‌اند که در این جا به مقتضای موضوع به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- "فرهنگ مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگیهای اعتقادی اعضای یک جامعه معین است." (۱)

- "فرهنگ، تمام خلاقیت‌های ذهنی و تظاهرات اجتماعی و فردی مانند رفتار، گفتار و کردار (شیوه سخن گفتن، خوراک، پوشاک، آداب و رسوم، اندیشه، عقاید، آثار هنری و...) مردم یک کشور است و اصولاً ساختمان فرهنگی یک جامعه بر سه پایه استوار است که عبارتند از: پرورش دوران کودکی، شرایط اجتماعی و اقتصادی و ترکیب جمعیت."

ماکس وبر «فرهنگ» را «مفهوم ارزشی» می‌داند و در این زمینه می‌گوید:

"فرهنگ از یک سلسله روش‌ها و زمینه‌ها متأثر است که آن زمینه‌ها و روش‌ها افراد یک جامعه را به هم می‌پیوندند و در رفتار و کردار و روابط اجتماعی آنها منعکس است." (۲)

- "فرهنگ کلیت همبافته‌ای است شامل: دین، دانش، هنر، اخلاقیات، قانون، فنون و ابزار و کاربرد آنها."

- "فرهنگ به معنی اعم پیش و منش هویت‌دهنده انسان در حوزه زندگی اجتماعی است و به عبارت دیگر فرهنگ کلیت همتافته و به هم پیوسته‌ای است از باورها، فضائل، ارزش‌ها، آرمانها، دانش‌ها، هنرها و فنون، آداب و عادات جامعه که مشخص‌کننده ساخت و تحول کیفیت زندگی یک ملت است." (۳)

فرهنگ پدیده‌ای اکتسابی است و محیط اجتماعی (شهری و روستایی) و نهادهای واقع در آن در شکل‌گیری آن نقش مؤثری دارد.

۲-۱ فرهنگ شهری

قبل از اینکه در مورد فرهنگ شهری سخنی به میان آید، باید اضافه کرد که اصولاً بین یک فرد سنتی ساکن در شهر و یک شهروند بافرهنگ شهری تفاوت بسیار است.

در یک جامعه سنتی شهری هیچ کس احساس مسؤولیت نمی‌کند و در حل مسایل آن از جمله مشکل آب، انرژی، آلودگی، نظافت و بهداشت شهر، مصرف سوخت و حتی مصرف آب و نان

دخالتی نکرده و خود را مسئول نمی‌داند و همه چیز را از دولت می‌خواهد؛ در حالیکه شهروند با فرهنگ کسی است که شهر را از خود می‌داند و در واقع شهر را خانه خود می‌شمارد، در حفظ و نگهداری آن کوشاست، همانند خانه خود به آن، وابسته است و نسبت به آن دلبستگی دارد و در تمامی مسائل مربوط به آن، خود را شریک و سهیم می‌داند.

لذا فرهنگ شهری یعنی احساس مسئولیت در شهر؛ فرهنگ شهری یعنی احساس دلبستگی و وابستگی به شهر و مسائل آن؛ فرهنگ شهری یعنی مشارکت عمومی در مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مربوط به شهر؛ فرهنگ شهری یعنی اینکه یک شهروند احساس کند شهر، خانه اوست و باید با تمام توان در سالم‌سازی و زیبایی فضای فیزیکی، حفظ امنیت و آرامش داخلی و حفظ محیط زیست آن کوشا باشد و استفاده معقول و صحیح مصرف آب، برق، انرژی و حتی نان را بداند و بدان عمل کند.

شهروند با فرهنگ ضمن استفاده بهینه از منابع موجود محیطی مورد نیاز، حفظ و سالم‌سازی محیط زیست شهری و عناصر موجود در آن را برای خود و نسل‌های آینده سرلوحه کار قرار می‌دهد. هر چند داشتن فرهنگ شهری یکی از ابزارهای مهم تحقق توسعه پایدار شهری است، ولی شرط کافی نیست و این مهم بدست نمی‌آید؛ مگر با هماهنگی سازمان مدیریت کارآمد و برنامه‌ریزی صحیح شهری. امروزه مشکل بزرگ جامعه شهری ما ضعف فرهنگ شهری شهروندان، و نارسایی در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری شهرهای ایران است و تا زمانی که این دو با یکدیگر هماهنگ نباشند، ما به توسعه پایدار نخواهیم رسید.

۲-۲ فرهنگ و جامعه شهری

شهر به لحاظ برخورداری از گروهها و طبقات مختلف نژادی، قومی، مذهبی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، موزائیکی از فرهنگها و گروههای متعدد است و این عوامل در ساخت فرهنگ شهرنشینان تأثیر بسزایی دارد.

انقلاب صنعتی از طرفی در سرعت بخشیدن به زندگی شهری و افزایش سریع شهرنشینان و از طرف دیگر در دگرگونی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی شهرها نقش زیادی داشته و در تغییر

ساختار فرهنگی شهروندان بسیار مؤثر بوده است. شرایط نوین اقتصاد جهانی تغییرات بنیادی در نقش و عملکرد شهرها و به تبع آن در شیوه‌های زندگی شهری ایجاد کرده و فرهنگ شهروندان را تغییر داده است؛ از این روی نظام‌های شهری و فرهنگ شهرنشینان در این ارتباط چاره‌ای جز انطباق با دگرگونی پرشتاب جهانی نداشته است. به عبارت دیگر رشد شهری فزاینده جهان امروز با رشد توسعه اقتصادی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. رشد شهری جهان معاصر منعکس‌کننده فرایندی است که جهانی شدن^۳ نام گرفته است. جهانی شدن قهرأً به تولد سرمایه‌داری و آثاری چون موتناژ جهانی در صنعت، استفاده‌های وسیع از ربات‌ها، تغییر جدی در ساختار مشاغل، گردش سریع سرمایه، تولید انبوه، ایجاد فرهنگ مصرفی، آلودگی‌های زیست‌محیطی و... را به دنبال خواهد داشت و این عوامل وظیفه، نقش، نیازها و فرهنگ شهروندان را نسبت به گذشته متحول کرده و در آینده نیز تغییر خواهد داد. این تحول در راستای فاصله گرفتن از روابط همسایگی، ارتباط عاطفی و فضای صمیمی و دور شدن از وحدت، هماهنگی و یک‌شکلی و گرایش به سمت تحرک اجتماعی، بیگانگی و کاهش وابستگی افراد به یکدیگر، رقابت متقابل در کار و تولید، حفظ نظم و امنیت، احترام به قانون، کم شدن روابط عاطفی و رسمی شدن رفتار اجتماعی، لزوم مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی و تغییرات شدید فرهنگی بوده است. با بین‌المللی شدن کار و سرمایه و تمرکز روزافزون رسانه‌ها و شبکه‌های اطلاع‌رسانی جهانی (ایسترن-ایمیل و...) فرهنگ‌های محلی و ملی در ابعاد شهری و روستایی به طور مستقیم در معرض برخورد با فرهنگ‌های دیگر قرار می‌گیرد و بی‌ثباتی بیشتر فرهنگی جوامع در حال توسعه را در پی خواهد داشت.^(۴) لذا با عنایت به عوامل فوق، جامعه شهری و فرهنگ شهرنشینان با جامعه روستایی و فرهنگ روستاییان تفاوت کلی دارد.

جوامع روستایی از نظر ویژگیها، نظام فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی، جوامعی پایدار و استاتیک محسوب می‌شوند که در آنها احترام به عرف و عادت، توجه به سنت و ارزش‌ها و باورهای دینی امری بدیهی، روشن و شناخته شده است و روابط میان افراد، والدین و فرزندان بر

اساس آنها شکل می‌گیرد؛ لذا بر مبنای پایداری و استحکام این سنت‌ها، در این شیوه زندگی، نوعی امنیت حاکمیت دارد.

ولی زمانی که شهرنشینی و صنعتی شدن بر جوامع انسانی تسلط یافت، انسانها بسیاری از باورهای فرهنگی خود را از دست داده و مجبور شدند با فرهنگ جدید سازگار شوند. انسان شهری به سرعت به سوی دنیاپرستی و توجه به شرایط غیرمعنوی متمایل گردید و در بسیاری از موارد مشاهدات تجربی، منطق، استدلال و علم، جانشین معتقدات سنتی گردید، لذا جوامع شهری در مقایسه با جوامع روستایی بر عدم تجانس، تقسیم کار و ناهمسانی تأکید دارد. (۵)

ملاحظه می‌شود که در جوامع شهری روابط انسانی و همبستگی‌های عاطفی و باورهای دینی به تدریج رنگ می‌بازد و در مقابل پیوستگی جدیدی بر اساس قراردادهای اجتماعی به وجود می‌آید. به عبارت دیگر جامعه شهری در مقابل جامعه روستایی، جامعه‌ای است که در آن فرد خارج از شبکه خونی، وابستگی‌های قومی، عشیره‌ای و قبیله‌ای خود، دارای هویت است، چنین جامعه‌ای بر وفاق اجتماعی و ملی و همبستگی که به صورت قرارداد اجتماعی است، تأکید دارد. در این جامعه زندگی به عرصه‌های خصوصی، عمومی و حکومتی، تقسیم شده است و قانون که نهادینه شده و مورد قبول آحاد مردم است، حد و مرز هر عرصه و رابطه بین آنها را تعیین می‌کند. در این جامعه افرادی که عنوان شهروند را یدک می‌کشند، در هر زمینه صاحب حقوق مشخص و تعریف شده هستند. (۶)

۳- رشد شهرنشینی در جهان

فرایند شهرنشینی از دو بعد قابل توجه است، یکی از نظر درصد جمعیت شهرنشین دنیا نسبت به کل جمعیت کشورها و دیگر از نظر تعداد، که با توجه به انفجار جمعیت اهمیت ویژه می‌یابد. از دیدگاه جهانی در سال ۱۹۵۰ تنها ۲۹ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کردند. این رقم در سال ۱۹۹۰ به ۴۵ درصد رسید و امروزه از مرز ۵۰ درصد گذشته است و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۰ میلادی ۶۲ درصد جمعیت جهان در شهرها ساکن خواهند شد. (۷)

به گفته دکتر شکویی، فرآیند شهرنشینی هنگامی روی می‌دهد که عده کثیری از مردم، مناطق

کشاورزی و روستایی را ترک کنند و سکونت‌گاههای شهری را ایجاد نمایند. در قرن بیستم روند شهرنشینی در دنیا و به ویژه در کشورهای جهان سوم به شدت گسترش یافته است. بدیهی است در این روند، پیشرفتهای تکنولوژیک در کشاورزی، صنعت، حمل و نقل و ارتباطات، همگی در گرایش مردم به شهرنشینی بسیار مؤثر بوده است. (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱: روند تغییرات درصد جمعیت شهرنشین جهان بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ (۸)

سال	۱۹۶۰	۲۰۰۰	مناطق
	۲۱	۵۰	آسیا
	۱۵	۳۲	آفریقا
	۴۵	۶۰	آمریکای لاتین
	۸۴	۹۰	آمریکای شمالی
	۵۴	۷۰	اروپا
	۶۳	۶۵	اقیانوسیه

۱-۳ شهرنشینی و ناسامانی‌های اجتماعی و زیست محیطی

رشد بی‌رویه جمعیت و گسترش سریع شهرنشینی موجب افزایش نسبت مسکن ناسالم، تراکم بیش از حد نفرات در واحد مسکونی، بالا رفتن تنش‌ها و برخوردهای اجتماعی و انواع آلودگیهای زیست محیطی گردیده است. (۹)

رشد سریع و گسترش نامشخص شهرها و زندگی شهرنشینی موجب بروز بحرانهای زیادی شده است و وخیم‌تر اینکه تاکنون هیچ‌گونه راه حل منطقی برای پایان دادن به آنها پیدا نشده است. از آنجاکه شهر بستر فعالیتهای انسانی است و هر روز گسترش بیشتری می‌یابد، پیچیدگی روزافزون آن، موفقیت کامل هرگونه برنامه را ناممکن و احتمالی می‌سازد. بدیهی است در این

ارتباط افزایش جمعیت بویژه در شهرهای بزرگ هر روز نیروی بیشتری را برای برهم زدن تعادل‌های اجتماعی و محیطی، بسیج کرده و فشار بیشتری را بر منابع طبیعی وارد می‌آورد. ابن خلدون جامعه‌شناس و مورخ بزرگ عرب نیز به زندگی شهرنشینی بدبینانه نگریسته و معتقد است شهرنشینی انسان را از نیک‌سیرتی طبیعی و اولیه بادیه‌نشینی خارج کرده و همبستگی اجتماعی را از او سلب کرده است. (۱۰)

جریان شهرنشینی و صنعتی شدن کشورهای جهان سوم منجمله کشورهای منطقه آسیا در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ راه را برای پیشرفت و توسعه آنها باز نمود، در این جریان کشاورزان در قالب نیروهای توسعه تشویق شدند که جهت کار در مراکز صنعتی به شهرها مهاجرت کنند، این روند در دهه ۱۹۷۰ بازتاب‌های متفاوتی را در جهان به دنبال داشت که حکایت از افزایش برخی نابسامانی‌ها از جمله: آلودگی‌های محیطی، زاغه‌نشینی، حاشیه‌نشینی، بیکاری و... در مراکز شهری دارد؛ لذا در برخی محافل، نوعی تفکر ضد شهری را در قاموس توسعه ایجاد کرد. (۱۱)

۴- توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار از دهه ۱۹۸۰ مطرح شد و هدف آن علاوه بر رشد اقتصادی و کارایی آن، تحقق اهداف اجتماعی، کاهش فقر و مدیریت منابع طبیعی پایدار است و در زمینه شهر می‌توان گفت که اگر شهر را به صورت یک سیستم در نظر بگیریم، این سیستم عبارت است از شرایطی که ورودی به آن سیستم به خروجی آن آسیب نرساند، به بیان دیگر توسعه‌ای است که موجب از دست دادن فرهنگ و تمدن و سلامت زیست‌محیطی آن نگردد.

توسعه پایدار جدیدترین شعار جنبش زیست‌محیطی در سطح جهان است که بر پیامدهای زیست‌محیطی ناشی از رشد بی‌رویه جمعیت و توسعه اقتصادی کشورها در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای تأکید دارد. امروزه توجه به توسعه پایدار بیش از آنکه در کشورهای پیشرفته مطرح باشد در کشورهای جهان سوم مدنظر است.

علت توجه روزافزون به مسأله توسعه پایدار، به‌ویژه در این کشورها، محدود بودن امکانات و نامحدود بودن نیازها و درخواست‌های بشر است. در این کشورها جمعیت با سرعت زیادی

افزایش می‌یابد، درخواستها رو به فزونی است و رشد تکنولوژی ادامه دارد؛ در حالی که منابع موجود کاهنده و تقریباً ثابت بوده و آینده چندان امیدبخش نیست. به همین علت امروزه بسیاری از کشورهای جهان سوم از مشکلات متعدد زیست محیطی مانند سنگینی ترافیک و انواع آلودگیها از جمله آلودگی هوا، آب، خاک، صوتی و... رنج می‌برند. این مشکلات بر منابع طبیعی، بهداشت شهروندان و محیط زیست به طور مستقیم یا غیر مستقیم تأثیر دارند. از طرفی به نظر می‌رسد در مقابل رشد بی‌رویه جمعیت شهرنشین و افزایش روزانه این مشکلات، میزان مسئولیت‌پذیری دولتها نسبت به حل این گونه مسائل رو به کاهش است؛ لذا علاوه بر لزوم برنامه‌ریزی صحیح، مشارکت مردم در مدیریت شهری، آشنایی و برخورداری شهروندان از فرهنگ صحیح شهری در حفظ محیط زیست و جلوگیری از آلودگی آن بسیار مؤثر است، به عبارت دیگر یکی از راههای رسیدن به توسعه در جهان سوم بویژه در جمعیت شهرنشینی آن، این است که ویژگیهای توسعه در آنها تراوش کند و در فرهنگ مردم رسوخ یابد و شهروندان، شهر را در واقع خانه خود بدانند. (۱۲)

۱-۴ فرهنگ شهرنشینی و توسعه پایدار

امروزه علاوه بر برنامه‌ریزی صحیح شهری، آموزش و افزایش دانش و فرهنگ شهرنشینان و برخورداری آنان از فرهنگ صحیح شهرنشینی در توسعه پایدار شهری و حفظ محیط زیست نقشی اساسی دارد. شایان ذکر است که بدانیم در جهت تحقق اهداف فوق اهمیت آموزش بوم‌شناسی و آماده‌سازی زمینه‌های رشد فرهنگی به ویژه فرهنگ صحیح شهرنشینی در کنار برنامه‌ریزی شهری بر هیچ کس پوشیده نیست. به اعتقاد نگارنده این آموزش باید در همه جا: در خانه، مدرسه، محل کار، جامعه و... رعایت شود. به عبارت دیگر آموزش فرهنگ شهرنشینی و تعلیم جهان‌بینی بوم‌شناسی باید از کودکتان تا دانشگاه تداوم داشته باشد.

در یک جامعه شهری با فرهنگ و توسعه یافته شهروندان می‌توانند در خیابانهای شهرها به راحتی نفس بکشند و به آسمان آبی نگاه کنند و خورشید و ستارگان را ببینند. فرهنگ شهرنشینان و برنامه‌ریزی شهری باید به گونه‌ای باشد که توسعه پایدار شهری را تضمین کند و منابع طبیعی و

مربوط به همه نسلهاست (که فعلاً به عنوان ودیعه در دست نسل امروز است) حفظ نماید؛ بر همین اساس از قول شهردار مسکو آمده است که در برنامه آینده شهری بسیاری از خیابانهای این شهر به پارک و باغ تبدیل خواهد شد و $\frac{1}{6}$ ساخت پایتخت شوروی به فضای سبز اختصاص خواهد یافت. (۱۳)

شهروند با فرهنگ، انسانی است که محیط شهر را خانه خود می‌داند و به حفظ عوامل و عناصر زیست محیطی آن (آب، خاک، هوا) و سلامت و بهداشت فضای زندگی، از جمله زیبایی مناظر، فضای سبز، سلامت صوت و تصویر کوشا باشد. توسعه پایدار شهری یعنی حفظ سلامت هوای شهر، استفاده بهینه و حفظ منابع آب و جلوگیری از مصرف بی‌رویه آن.

توسعه پایدار یعنی استفاده درست از منابع طبیعی و محیطی و جلوگیری از آلودگی‌های زیست محیطی و استفاده بهینه از منابع انرژی‌زا (سخت - نفت گاز، برق). توسعه پایدار شهری یعنی کاهش نابرابریها و حرکت بسوی عدالت اجتماعی. توسعه پایدار شهری یعنی برقراری عدالت اجتماعی در شهر و برخورداری همه شهروندان از نیازهای اولیه زندگی از جمله غذا، شغل، مسکن، بهداشت و... توسعه پایدار شهری تحقق نخواهد یافت، مگر اینکه ما ابتدا شهروند داشته باشیم و فرهنگ شهری را بپذیریم. امروزه یکی از بزرگترین مشکلات ما در مراکز شهری و به ویژه شهرهای بزرگ، عدم آگاهی افراد از مفهوم فرهنگ شهری است، لذا در جامعه ما درک مفهوم شهروندی و ضعف فرهنگ شهری هنوز یکی از مشکلات اساسی است. برای نمونه پایتخت کشور ما با حدود ۷ میلیون جمعیت دارای معضلات و مشکلات زیست محیطی زیادی است که اغلب آنها ناشی از آن است که اهالی آن خود را شهروند نمی‌دانند و یا با فرهنگ شهروندی کمتر آشنایی دارند. امروزه بخش عمده‌ای از آلودگی هوای تهران (حدود ۷۵ درصد) مربوط به وسایل نقلیه است، وسایلی که اغلب آنها یا قدیمی است و یا سوختشان کامل نیست. بدیهی است این مشکل تنها بدست مأمورین راهنمایی و رانندگی یا مدیریت شهری حل نخواهد شد. همچنین بارها گفته شده مصرف روزانه آب یک فرد ایرانی جهت مصارف مختلف، چندین برابر یک فرانسوی است. یا متوسط مصرف انرژی هر شهروند ایرانی چندین برابر مصرف انرژی یک فرد چینی است و هكذا... اینها نمونه‌هایی است از مسائل و مشکلات شهری ما، به‌ویژه در شهرهای پرجمعیت، که

توسعه پایدار شهری را به خطر انداخته‌اند. لذا مسأله اساسی و اصلی و کلید حل مسائل و معضلات ناپایداری شهرها، در توسعه یافتگی جامعه و برخورداری مردم از فرهنگ شهری و شهروندی در جامعه مدنی است و در تحقق این شرایط نقش سازمانهای دولتی، مدیران و برنامه‌ریزان شهری و قانونمندی و قانونمداری شهروندان تأثیر زیادی دارد.

۵- نتیجه‌گیری

فرهنگ پدیده‌ای اکتسابی است و محیط‌های انسانی و نهادهای اجتماعی در شکل‌گیری آن نقش زیادی دارند. فرهنگ شهری در عین تفاوت با فرهنگ روستایی، به علت توسعه اقتصادی و مدرنیسم، روز به روز در حال تحول است. این تحول در راستای دور شدن از روابط همسایگی، ارتباط عاطفی و فضای صمیمی به سوی رسمی شدن رفتار اجتماعی، رعایت نظم و انضباط و قانون، مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی، احترام به عقاید دیگران و رعایت حقوق فردی و اجتماعی است. لازمه زندگی در شهر داشتن فرهنگ شهری است و توسعه پایدار شهری تحقق پیدا نخواهد کرد جز در سایه برخورداری شهروندان از فرهنگ شهری و مدیریت کارآمد و برنامه‌ریزی صحیح شهری. خصیصه‌های فرهنگ شهری در مشارکت عمومی، در مسائل اجتماعی و سیاسی، مسئولیت‌پذیری و توسعه یافتگی انسان و دلبستگی او به محیط زندگی، انضباط‌پذیری، قانونگرایی، حسن تعاون و همکاری، استفاده صحیح و منطقی از منابع زیست‌محیطی، گرایش به عدالت اجتماعی و کاهش نابرابریهای اجتماعی و حفظ محیط زیست خلاصه می‌شود و در این ارتباط سازمان مدیریت شهری در قالب یک نهاد اجرایی، برنامه‌ریز، مسؤول، هدایت‌گر، سامان‌دهنده و کنترل‌کننده، در کنار فرهنگ شهری در جامعه مدنی، می‌تواند به حفظ محیط زیست شهری برای نسل امروز و فردا یا توسعه پایدار کمک نماید. و جمله آخر اینکه توسعه پایدار شهری؛ یعنی شرایطی که شهرنشینان امروزی و شهروندان فردا بتوانند در آن در کمال آرامش و امنیت زندگی کنند و ضمن سلامتی، از عمر طولانی و در عین حال سازنده بهره‌مند گردند.

منابع و یادداشتها

- ۱- بروس، کوئن: مبانی جامعه‌شناسی، مترجمین دکتر غلامعباس توسلی و دکتر رضا فاضل، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۲، ص ۵۹.
- ۲- محمودی بختیاری، غلینقی: نگاهی به عصر اساطیر، زمینه فرهنگ و تمدن در ایران، انتشارات پازنگ، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۸، ص ۴۰.
- ۳- رفیع پور، جلال: فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۷۲.
- ۴- گزاویه، دوپوئی: فرهنگ و توسعه، مترجمان فاطمه فراهانی و عبدالمجید زرین قلم، انتشار کمیسیون ملی یونسکو ایران، تهران، ۱۳۷۴، ص ۵۰.
- ۵- شکوئی، حسین: دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۳، ص ۴۹۹.
- ۶- پیروان، پرویز: شهر شهروندمدار، مجله اطلاعات سیاسی - اجتماعی شماره ۱۱ و ۱۲ مرداد و شهریور، ۱۳۷۷، ص ۱۳۲.
- 7- *United Nations, 1990 "World Population Prospects", New York.*
- ۸- بروس، کوئن: مبانی جامعه‌شناسی، ص ۳۰۵.
- ۹- توسلی، عباسعلی: جامعه‌شناسی شهری، انتشارات پیام نور، تهران، ۱۳۷۴، ص ۵۱.
- ۱۰- ابن خلدون، عبدالرحمن: مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ هفتم، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۷۳۷.
- ۱۱- شیخی، محمدتقی: جامعه‌شناسی جهان سوم، انتشارات اشراقی، تهران، ۱۳۶۹، صص ۵۳ و ۵۴.
- ۱۲- آندره، گوندرفرانک: جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر سناجیان، مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ۱۳۵۹، ص ۱۲۷.
- ۱۳- آذرنگ، عبدالحسین: تکنولوژی و بحران محیط زیست، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶، ص ۹۹.